

دوشنبه 03 جون 2019

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سياسي

نويسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوي

مترجم: فريده نوري

ای جگر گوشه من، دیده من جای تو بود
 کی خبر داشتم از کینه این چرخ کبود
 دلم آشفته آن قامت رعناي تو بود
 که چو صیاد کمین کرده، وجویابی توبود

قسمت پنجم



کیش و آیین (culte) مقدسات در بین پشتون ها در قرن نهم میلادی:

اعتبار و حیثیت پیر (Pir-s) تابع و وابسته به فضیلت و قابلیت وی به حیث یک شخص مومن، پرهیزگار، با تقوا، و دارنده دانش تصوفی می باشد.

خلیفه (Khalifa) مانند پیر (pir-s) برخوردار از وفاداری مطلق از طرف مریدان شان هستند. به صورت عمومی تقوا گران صوفی به یک کتگوری اشخاصی که روحانیون نامیده می شوند، تعلق دارند و از حیثیت و احترام زیاد برخوردار می باشند. هم نظر به داشتن اجداد شان که از طبقه اعیان و اشراف مذهبیهون می باشند، و هم نظر به بدست آوردن درجه ارتقاء بلند معنویت (به جا رسیده)، به صفت دوست خدا یعنی اولیا (awliyyâ) به شمار می روند.

یک تعداد زیاد عناوین برای بیان اعتبار و حیثیت اجتماعی شان اختصاص داده شده است:

سید (Sayyed)، حضرت (Hazrat)، پادشاه صاحب، شهزاده جان، نقیب، میر صاحب، ایشان (Ichân)، خواجه (Khwâdja)، آخندزاده (Akhundzâda)، صاحب زاده (Sâhibzada).

این ها نمایانگر گروپ های بسیار با اقتدار در بین ساختار های تشکیلات مذهبی هستند.

در بین طبقات طریقت، ما مشخص می نماییم، پیر (Pir-s) که دارای اقتدار خارق العاده و شگفت انگیز مذهبی یا کرامت (kerâmat) می باشد، خلیفه (khalifa-s) که دارای فضایل عالی و استثنایی بوده که برایش اجازه پذیرش و داخل نمودن اعضای طریقت (مرید ها) (murid-s) را در این راه و روش می دهد.

پیر ها (Pir-s) در داخل ساحه که تشکیل شده توسط اسلام، طریقت و قدرت مذهبی شان دارای خواص و ماهیت سحرآمیز و شگفت انگیز می باشد که در تقابل با اسلام اورتودوکس (Orthodoxe) قرار می گیرد. این بُعد و وسعت بی نهایت و فوق العاده خیر خواهی و جذب شان ساخته شده است بالای مفهوم برکت (Barakat) و کرامت (Kerâmat).

نشانه یا علامت خارجی برکت، ظاهر شدن قدرت معجزه ئی کرامت است، مانند داشتن استعداد، توانایی و صلاحیت ساختن و دادن تعویذ (ta'wiz) برای محافظت.

بعضاً قدرت معجزه و داشتن برکت یک شخص بعد از مرگش شناخته می شود، به طور مثال رخ دادن حوادث معجزه آسا در اطراف آرامگاهش. بعضاً آرامگاه روحانیون به عبادت گاه و زیارت تبدیل می شود، و در آن جا ادای نماز درمانی و قربانی صورت می گیرد.

در قرن نهم میلادی اضمحلال تدریجی مراکز صوفی ها در هرات و در بلخ در اثر متروک شدن راه تجارتی زمینی آسیای میانه و همراه با باز شدن راه در مناطق جنوب، هم سرحد بین افغانستان و هند، چهره هایی نو پیر (Pir-s) که به سلسله پیر های صاحب نام و نشان ارتباط نداشتند و در ایجاد

افکار تصوفی سهیم نبودند، این ها با داشتن یک تعداد قابل ملاحظهٔ مریدان که زیادتر مخلصان (Mokhlès) (dévots) بودند نظر به مریدان، خود را مشخص ساختند. این شکل اسلام طریقت اساساً به طریقت اسلام قادریه که قبلاً ذکر گردید با عملی نمودن ذکر (zeker)، خود را مشخص ساخته است.

آن هایی که عضویت مخلص ها و مرید ها را در نزد روحانیون به واسطهٔ قوم خود به دست می آورند، به صورت منظم با دادن تحایف، خوشنودی و رضای خاطر پیر (Pir-s) را به دست آورده و در عوض دعا و حمایت پیر را حصول می کنند. در این صورت، رابطهٔ پیر و مخلص عبارت است از اجزای ترکیبی یک ارتباط شف و کارگر است، که در حقیقت فامیل های که سران یک قوم و یک قبیله هستند، تضمین کنندهٔ میانجی گری و وساطت بین پیر و پیروان شان می باشند.

برای اولسن استه (Olsen Asta) این احتمال به وجود آمدن چهره های نو مذهبی در قرن نهم میلادی دلالت به یک پدیدهٔ سیاسی که رابطه به فشار هایی دارد که توسط انگیس ها در این مناطق وارد گردید. در واقع پیر ها (Pir-s) به بسیار سرعت چهره های مرکزی مبارزه علیهٔ استعمار را تشکیل می دهند. و این تبارز شان نشان دهندهٔ جواب قبایل به اداره و مسؤلان استعمار گران بوده است.

طوری که نظیف شهرانی (Nazif Shahrani) خاطر نشان می کند: «بدخشان در همان وقت این تغییرات را نمی شناسد، زیرا که منطقه مستقیماً توسط استعمار غربی تهدید نشده است، در نتیجه به جهاد ضرورت ندارد».

«اکبر احمد (Akbar Ahmad) می نویسد: با وجودی که پیرها (Pir-s) پرواز کرده نمی توانند، مگر مریدانش آرزوی پرواز شان را دارند».

تحلیل و تأکید اولسن استه (Olsen Asta) در بالای این موضوع بر این است که شاید به حیث یک ضرورت از جانب مریدان باشد که به قوهٔ خارق العاده پیر اعتقاد داشته و برای تزئین قصه های شان شایعه پراگنی می باشد:

« موجودیت این احساس برای پیر (Pir-s) ضرورت حیاتی بود، در این شرایط پیر ها وظیفهٔ خود می دانستند تا مریدان خود را بگویند که قدرت الهی و آسمانی در این دنیا موجود است، درد، مصیبت،

ناکامی و شکست در زندگی انسان ها، سر آغاز سرور و شور و شرف در جهان ابدی، در بهشت به انتظار شان می باشد. (Pastner,1980).

به عبارۀ دیگر معجزه ها معنی و مفهوم عمومی در ساختن و آزمایش قوه درک و شعور، در فهمیدن و مشخص نمودن خصلت و ماهیت، سیرشت، فطرت، و عملکرد قدرت و آگاهی و اطلاعات به حیث گزارش و اظهار نظر و مبارزه در زندگی روزمره، منطق های بارز و غالب دارند (Gilsenan,1982).

ادامه دارد